

درس هشتم

آزادگی

اهداف آموزشی درس:

آشنایی با مفاهیم آزادی و آزادگی / آشنایی با جامی و آثار او / آشنایی با ترکیات و وامکان جدید فارسی / آشنایی با قالب مثنوی

محتوای فکری درس: 1: شعر بر سنگ گزاری انسان در برادراده های پروردگار و عزت نفس انسان تاکید دارد. 2: قناعت و خشنودی را از ویژگی های انسان های آزاده و عارف می داند و آدمی را از غرور و طمع بر حذر می دارد، 3: همچنین در این شعر با انسان کاملی روبرو می شویم که به توانایی های خود تکیه می کند و نیازمندی و وابستگی به دیگران را پس ندیده نمی داند و در همه حال از پروردگاریاری می طلبد.

کهن شعر: کهن شعر داستانی روایی می باشد. این گونه متن ها معمولاً با آهنگ نرم و کشش آوایی خوانده می شوند بنابراین باید به گونه خوانده شود که میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزد و شوقی همراه با انتظار در شنونده ایجاد کند.



خاکش پیری بادلق **درشت** پشته ای خار بهی برده **پشت**

معنی: پیری خاکش باباس های پشی و نشن و فقیرانه ای، توده ای خار را بر پشت خود حمل می کرد.

دلخ: نوعی جامعه پشمن که فقیران می پوشند، جامه // **پشته:** انبوه، توده // **درشت:** زبر، خشن، ناهموار، دشوار، سخت

تناسب: خار، خارکش، پشته // **واج آرای:** صامت «ش»

لنگ لنگان قدمی برمی داشت هر قدم دانه ای شکری می کاشت -

معنی: در حالی که می لنگید و به آرامی راه می رفت، در هر قدم خدا را شکری می کرد.

لنگ لنگان: قید // **دانه شکر:** ترکیب اضافی // **دانه شکر می کاشت:** از خدا تشکر می کرد.

واج آرای: صامت «ش» // **دانه شکر:** اضافه تشبیهی «شکر گزاری را به کاشتن دانه تشبیه کرده است» // **تکرار:** قدم، قدم

کای فروزنده ی این چرخ بلند وی نوازنده دل های نشد

معنی: ای خدایی که این آسمان بلند را برپاکننده کرده ای و ای کسی که آرایش دهنده دل های نعلین هستی.

فروزنده: بلند کننده ، برپا کننده // **چرخ:** آسمان ، فلک // **نوازنده:** آن که نوازش و مهربانی کند // **نژند:** اندوهگین ، غمناک ، سرد ، بی روح // نوازنده یک واژه با چند معنا: 1: به معنی نوازنده در علم موسیقی. 2: به معنی نوازش کننده ، مهرورزنده

چرخ بلند: استعاره از آسمان // واج آرایبی «ج»

کنم از حیب نظر تا دامن چه عزیزی که نکردی بامن

معنی: بهنگامی که سرتاپا «همه وجودم» را نگاه می کنم ، درمی یابم که چقدر بزرگواری باو محبت با «حق من انجام داده ای».

حیب: گریبان ، یقه

از حیب تا دامن: همه وجودم // **حیب ، دامن:** تناسب // **از حیب تا دامن نظر کردن:** کنایه از به احوالات خود نظر کردن

مفهوم کلی: رضایت و خرسندی از خداوند

«دولت به رخم بکشادی تاج عزت به سرم بنهادی

معنی: «سعادت و نیک بختی را به روی من باز کردی و به من عزت و ارجمندی بخشیدی».

دولت: اقبال و نیک بختی // **عزت:** ارجمندی ، سرافرازی ، عزیزی // **گشادن:** باز کردن // **بنهادی:** قرار دادی // **رخم:** رخ من «م نقش مضاف الیه دارد» //

تاج عزت: اضافه تشبیهی // **در دولت به روی کسی گشودن:** کنایه از به خوشبختی رسیدن // **تاج عزت به سر گذاشتن:** کنایه از ارجمندی // **تاج ، سر:** تناسب

دولت: یک واژه چند معنایی که در طول زمان دچار تحول معنایی شده است و دارای معنای متعددی می باشد از جمله: بخت ،

اقبال ، جاه ، مکنّت ، سعادت // امروزه به معنی دولت و هیئت وزیران

حد من نیست ثنایت گفتن گوهر شکر عطیات سفتن

معنی: ستایش گفتن تو در حد و اندازه من نیست. من در بجا آوردن شکر بخشش های تو ناتوان، هستم. «شکر گزاری تو مانند سوراخ کردن مروارید سخت و دشوار است.»

حد: اندازه // ثنا: ستایش، شکر // سفتن: سوراخ کردن // عطا: بخشش // گوهر: اصل، نژاد، مروارید، در اینجا سنگ قیمتی // کلمات هم آوا: سنا «نور»، ثنا «ستایش» //

گوهر شکر: تشبیه // سفتن گوهر شکر: کنایه از شکر گزاری خدا به گونه ای دقیق و پسندیده // گفتن، سفتن: جناس

مفهوم کلی: ناتوانی انسان در شناخت خداوند

نوجوانی به جوانی مغرور رخس پندار همی راند ز دور

معنی: نوجوانی که جوانی خود مغرور بود «کوبی بر اسب تکبر و مغرور سوار بود» و این نشان تکبر و خودپسندی او از دور پدیدار بود به پیر مرد نزدیک شد.

«پرهیز از خودخواهی»

رخس: نام اسب رستم، در اینجا به معنی اسب // پندار: وهم، گمان، فکر

رخس پندار: تشبیه «خود پسندی به اسب تشبیه شده» // رخس پندار راندن: کنایه از خودپسندی و تکبر // واج آرای: «ن، ر»

آمد آن شکر گزاریش به گوش گفت کای پیر خرف گشته خموش

معنی: شکر گزاری پیر خارش به «گاه خداوند به گوش جوان مغرور رسید. گفت: ای پیر نادان، ساکت باش.»

خرف: کم عقل، تباهی خرد بر اثر زیادی سن // شکر گزاریش: «ش» نقش مضاف الیه دارد، شکر گزاری او // پیر خرف گشته: گروه منادایی // واج آرای: «ش، ا»

خار بر پشت زنی زین سان کام دولت چیست؟ عزیزت کدام؟

معنی: در حالی که با جمع آوری خار و زگاری گذرانی چطور از سعادت و خوشبختی و عزیزی حرف می زنی؟

زین سان : بدین گونه ، به این صورت // عزیزی : بزرگی ، ارجمندی ، // دولت : خوشبختی

عزت از خواری نشاخته ای / عمر دحارکشی بانته ای

معنی: فرق سربلندی و دولت رانی دانی و عمر خود را در کار خارشیدن، بدر داده ای.

خوار: زبون ، پست // کلمات هم آوا: خار ، خوار

پیرکفتا چه عزت زین به / که فی ام برد تو بالین نه

ای فلان چاشت بده یا شام / نان و آبی که خورم و آشامم

معنی میت اول: پیرکفت چه عزت و سربلندی بهتر از این که به تو نیاز مند نیستم.

معنی میت دوم: کای فلانی به من صبحا یا شام بده یا نان و آبی بده که بخورم و بیاشامم

بالین : بستر // چاشت : یک قسمت از چهار قسمت روز که در آن چیزی بخورند //

به ، نه : جناس // بر در کسی بالین نهادن : کنایه از نیازمند بودن به دیگران // چاشت ، شام ، آب ، نان ، خورم : مراعات نظیر

مفهوم کلی : بالاترین عزت متکی بودن به خود و محتاج نبودن به دیگران است .

سگر گویم که مرا خوار نساخت / به خسی چون تو کرفار نساخت

معنی: خدا را سگر می گویم که من را پست و حقیر نکرد و به شخص فرومایه ای مانند تو کرفار نکرد. «به نان خشک قناعت کنیم و جامه دلق آ که بارمخت خود به که بارمست خلق»

خس : شخص پست و فرومایه ، ناچیز ، خاشاک // خوار : زبون ، پست //

خسی چون تو : تشبیه . جوان به خسی تشبیه شده // خار و خس : مراعات نظیر

د ادب این همه افتادگی ام غزل آزادی و آزادگی ام

معنی: باین همه ناتوانی و ضعف ام، خداوند به من عزت و آزادی آزادگی بخشیده است.

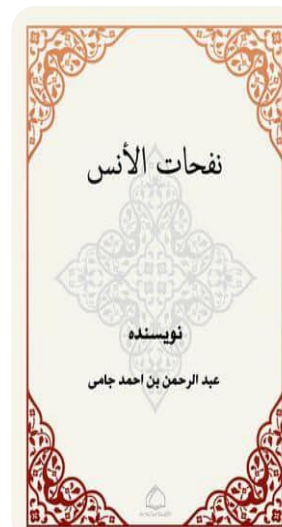
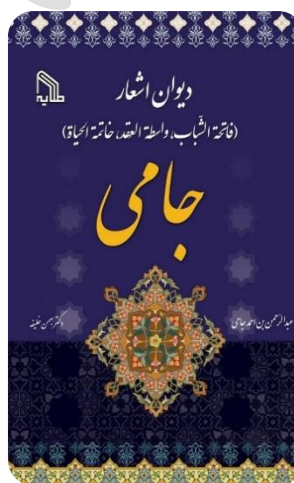
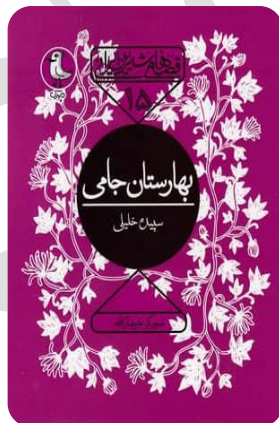
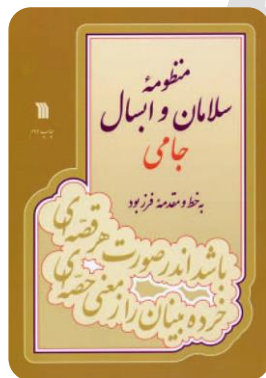
افتادگی: تواضع و فروتنی، اینجا به معنی ناتوانی و ضعف // **آزادگی:** حریت، جوانمردی، نجابت، اصالت // **آزادی:** در بند نبودن از نظر جسمانی //

واج آرایی: «ا، ز» // **آزادی، آزادگی:** جناس

تاریخ ادبیات: شاعر و نویسنده معروف ایرانی در قرن نهم هجری است. وی به مناسبت محل تولدش «جام» و نیز به سبب دوستداری شیخ الاسلام احمد جام، جامی تخلص کرده است.

آثار: دیوان اشعار، هفت اورنگ «شامل هفت مثنوی به تقلید از خمسه نظامی شامل: سلسله الذهب، سلمان اقبال، تحفه الاحرار، سبحة الاحرار، یوسف و زلیخا، مجنون و لیلی، خردنامه اسکندی

آثار منثور: نفحات الانس، بهارستان، لوايح



قالب ہنس شعری:

مثنوی: قالب شعری است کہ ہر دو مصرع آن قافیہ دارد و قافیہ ہر بیت دیگر متفاوت است. (ہر بیت قافیہ جداگاند دارد.)

مناسب ترین قالب برای سرودن داستان های بلند و اشعار طولانی است.

مثنوی معنوی اثر مولانا و شاهنامہ اثر فردوسی در قالب مثنوی سروده شدہ است.

شکل کرافیکی قالب مثنوی:

الف.....

الف.....

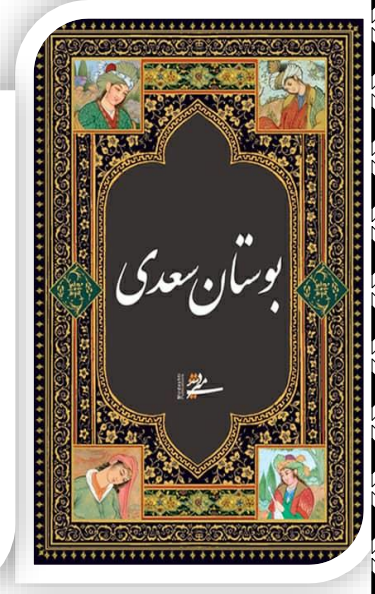
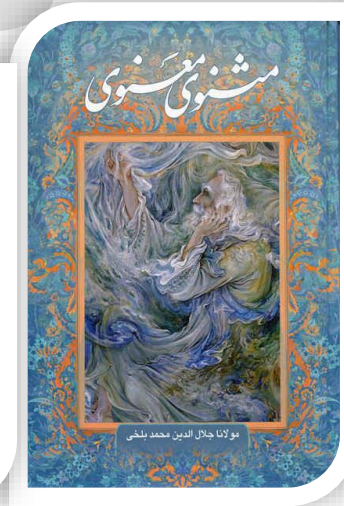
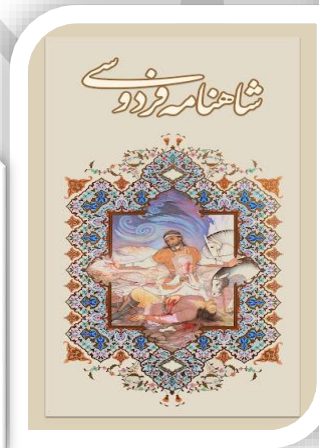
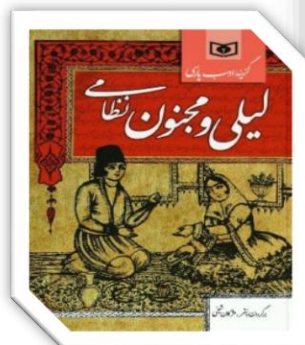
ب.....

ب.....

ج.....

ج.....

مہمترین مثنوی های فارسی: «شاهنامہ فردوسی، بوستان سعدی، مثنوی معنوی، لیلی و مجنون»





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد